

تحلیل جغرافیای فرهنگی و معنایی جنگ تحمیلی با رویکرد زبان‌شناسی

رشید خلف‌زاده^۱ و میثم رستمی^۲ و حجت‌الله جهانی‌راد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

چکیده: همزمان با وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، نوعی تبلور فرهنگ دفاع از ارزش‌ها و فرهنگ و تمدن در بین ایرانیان شکل گرفت. این ویژگی‌ها نوعی از حس مقدس مکانی را به انسان ایرانی تلقین می‌کند. این مفاهیم وارد زبان فارسی و زبان‌های مناطق مرز نشین شده، نوعی «جغرافیای فرهنگی دفاع مقدس» ایجاد کرده است. در این پژوهش نگارندگان به دنبال ارائه تحلیلی از دفاع مقدس براساس رویکرد زبان‌شناسی فردیناند دوسوسور هستند که براساس رویکرد زبان‌شناسی سوسور، جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران چه نقشی در ظهور نشانه‌های زبانی جدید در ایران (زبان‌های موجود در جغرافیای ایران) داشته است. این پژوهش به شیوه‌ای تحلیلی-توصیفی نگاشته شده است. داده‌های این مقاله نیز به شیوه‌ای کتابخانه‌ای و اسنادی به دست آمده است. براساس نتایج پژوهش، دفاع مقدس با آفرینش و بازتولید مفاهیمی معنوی از صدر اسلام، گفتمانی را شکل داد که امروزه دارای نمادها و نشانه‌های زبانی گسترده‌ای در سطح ملی، منطقه‌ای و در برخی موارد جهانی است. بنابراین نشانه‌ها و نمادهای زبانی گفتمان دفاع مقدس نیز به واسطه آگاهی مخاطب از این گفتمان و نیز بروز واقعی و بیرونی این گفتمان معنادار هستند و با فرض فراموشی این گفتمان و فرهنگ خاص، نشانه‌های آن نیز نامفهوم می‌گردند. بنابراین از دست رفتن این مفاهیم و میراث ارزشی نیاز به تدابیر و سیاست‌گذاری دوراندیشانه و عملی است.

واژگان اصلی: جغرافیای فرهنگی، جنگ تحمیلی، ایران، عراق، زبان‌شناسی سوسور.

۱. دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

rashidkh803@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

جنگ به عنوان یک واقعیت پیچیده اجتماعی از عناصر مادی و معنایی بی‌شماری ترکیب شده است (Stanford Encyclopedia of Philosophy). عناصر مادی جنگ که در این جا به عنوان واقعیت مسلم و عینی فرض می‌شود، با داده‌هایی مانند حرکت نیروهای نظامی، آتش توپخانه، بمباران هوایی، اشغال نظامی سرزمین و نظایر آن‌ها تعریف می‌شود. این عناصر، تعیین‌کننده دریافت‌های ادراکی کم و بیش مستقیم ما از وقوع جنگ و جریان عادی وقایع جنگ است، اما نمی‌تواند به تنهایی وضعیت‌های ذهنی و تجربه خاص ما از جنگ را تعیین کند. این وضعیت‌ها و تجربیات با عناصر معنایی و معناسازی‌های افراد و گروه‌های مختلف درباره جنگ شکل می‌گیرد (همتی و دلاوری، ۱۳۹۴: ۲۳۸).

جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران، در کنار انقلاب نوظهور اسلامی، به گفتمانی ارزش‌محور و سلطه‌ستیز با ادبیات و زبان و نشانه‌های خاص، بیانگر ظهور گفتمانی نوین و بازتولید شده از اسلام سیاسی دوران پیامبر (ص) و اصلاح‌گری و شهادت‌طلبی امام حسین (ع)، در برابر گفتمان حداکثری لیبرال دموکراسی غربی و سوسیالیسم شوروی و هم‌نوعان آن است. جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، براساس مختصات آن جنگ تحمیلی یا دفاع مقدس نام‌گذاری شد. جنگ از لحاظ گفتمان‌سازی، فرهنگ‌سازی و ایجاد ادبیات و زبان‌شناسی خاص با نشانه‌های متفاوت، حائز اهمیت است. از این رو پژوهش از دیدگاه زبان‌شناسی سوسور، به تحلیل این جنگ پرداخته و به این پرسش اساسی پاسخ داده که براساس رویکرد زبان‌شناسی سوسور، جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران چه نقشی در ظهور نشانه‌های زبانی جدید در ایران (زبان‌های ایرانی) داشته است. این پژوهش به شیوه‌ای تحلیلی-توصیفی نگاشته شده است. داده‌های مقاله نیز به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی به‌دست آمده است. جنگ هشت ساله تحمیلی، جزئی از هویت تاریخی و میراث یگانه مردمان کشورمان برپایه ارزش‌های اعتقادی و معنوی است که نیاز به بازشناسی در ابعاد مختلف دارد. از سوی دیگر این میراث به دلیل دارا بودن ارزش‌های معنوی که بر فضای آن زمان کشور حاکم بود، همچنان می‌تواند الهام‌بخش باشد. یکی از موارد مهم، بُعد زبان‌شناسی و معنایی دوران دفاع مقدس است که باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین باید برای حفظ و ماندگاری این میراث معنوی تلاش کرد که سرمایه ملی ایرانیان است.

پیشینه پژوهش

مقاله «تحلیل جغرافیایی نقش ارزش‌های دفاع مقدس در همگرایی قومی (مطالعه موردی استان آذربایجان غربی)» نگارش میرنجف موسوی، وحید محمدنژاد، عابدین خرم و سعید باقرپور (۱۳۹۵)، نقش ارزش‌های دفاع مقدس را بر همگرایی در استان آذربایجان غربی بررسی کرده که دارای تنوع قومی و مذهبی است. مقاله با عنوان «تأثیر جامعه بر ادبیات دفاع مقدس» نوشته ناصر کاظم‌خانلو، سارا الفتی، سیمین عزتی‌فر و زیبا اسماعیلی (۱۳۹۴)، اشاره می‌کند، زبان و ادبیات ماهیتی اجتماعی دارد و با جامعه مرتبط است. شاعر و نویسنده که موجودی اجتماعی هستند نیز باورهایشان در زمینه‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. بنابراین ادبیات می‌تواند نمایشگر دقیق رخدادهای اجتماعی باشند. مقاله «نام‌گذاری مضامین دفاع مقدس بر مبنای نظریه نظام‌مند نقشی هلیدی در اشعار قیصر امین‌پور»، نتیجه می‌گیرد که با نظریه هلیدی، نام‌گذاری مضامین و انتخاب واژگان، عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری فراتقش اندیشگانی زبان است. بر اساس این نظریه، نام‌گذاری مضامین دفاع مقدس در شعرهای قیصر امین‌پور بررسی و استخراج شده است.

مبانی نظری

نشانه‌ها و زیست‌جهان امروز ما، اطلاعاتی - ارتباطی است. انقلاب اطلاعات و ارتباطات، انسان امروز را در آستانه ورود به دوره‌ای نوین قرار داده که نیل پستمن^۱ آن را عصر «تکنوپولی» می‌نامد. در عصر تکنوپولی، به تعبیر پستمن، جهان دیگر نه «مسطح است و نه گرد»؛ بلکه شبکه‌ای است. فناوری تبدیل به شیوه هستی انسان‌ها یا - به تعبیر ارنست یونگر - مابعدالطبیعه حقیقی شده (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۱۰) و بر بشر تسلط یافته است. پستمن، این وضعیت را «انحصار فنی» می‌نامد و به عنوان «فن‌سالاری مستبدانه» تعریف می‌کند (بوریمرگینیز، ۱۳۸۱: ۶۳-۵۹).

انسان در میان موجودات، گونه‌ای است که به شدت میل به معناسازی دارد. انسان مهم‌تر از هر چیز موجودی معناساز است. ما معنا را با تولید و تفسیر «نشانه‌ها» پدید می‌آوریم. در واقع همان‌طور که پیرس گفته است «ما فقط با نشانه‌هاست که می‌توانیم بیان‌دیشیم». نشانه‌ها به شکل کلمات، تصاویر، اصوات، بوها، طعم‌ها، حرکات و اشیا ظاهر می‌شوند، اما این چیزها معنی‌دار نیستند و تنها زمانی که معنایی به آن‌ها منصوب کنیم، تبدیل به نشانه می‌شوند. به قول پیرس: «هیچ چیز نشانه نیست مگر این

^۱. N Postman

که به عنوان نشانه تفسیرش کنیم». در واقع هر چیزی که به عنوان «دلال‌گر»، ارجاع‌دهنده، یا اشاره‌گر به چیزی غیر از خودش تلقی شود، می‌تواند نشانه باشد (تاجیک، ۱۳۸۹: ۱۴).

زبان‌شناسی و به‌ویژه آموزش‌های زبان‌شناس سوئیسی، فردیناند دو سوسور، تأثیر به‌سزایی بر نظریه ادبی در قرن بیستم داشت. سوسور معتقد بود که زبان‌شناسی باید از بررسی در زمانی زبان، یعنی بررسی چگونگی تحولات تاریخی زبان فراتر رود و به بررسی همزمان پردازد؛ یعنی زبان را در حکم نظامی تلقی کند که در یک سطح زمانی عمل می‌کند. او زبان را به دو سطح زبان (Langue) یعنی آن نظام زیرساختی که ناظر بر کاربرد زبان است و گفتار (Parole) یعنی زبان آن‌گونه که در واقع و در عمل به کار گرفته می‌شود، تقسیم کرد. بنیاد ساختار زبان آن است که کلمات نشانه‌هایی اختیاری‌اند؛ یعنی کلیه این نشانه‌ها بر مبنای نوعی قرارداد تعیین می‌شوند. پس معنا حاصل ارجاع کلمه به جهان خارج و یا به افکار یا مفاهیمی نیست که در جهان خارج از زبان وجود دارند، بلکه حاصل تمایز بین خود نشانه‌های زبانی است. تأکید سوسور بر زبان در حکم یک نظام دلال‌ت، همزمان با تحولاتی در نقد صورت‌گرایانه (فرمالیستی) و افکار و آموزش‌های سوسور بر طرفداران رویکرد صورت‌گرایی در ادبیات تأثیر در خوری داشته است.

زبان یکی از نهادهای بنیادین جامعه و یکی از عنصرهای بسیار مهم در فرهنگ هر اجتماع است. ناگزیر هرگاه سخن از حفظ، تقویت و گسترش فرهنگ یک جامعه به میان می‌آید، بحث زبان هم مطرح می‌شود. از آنجایی که زبان در تاروپود زندگی فردی و اجتماعی تنیده شده، همچون رشته‌ای فرهنگ گذشته و حال ما را به هم پیوند می‌دهد. سخن درباره زبان مسایل زیادی را به میان می‌کشد (Suassure, 1979: 90). فردیناند دو سوسور زبان‌شناس سوئیسی پایه‌گذار انقلاب علمی در قلمرو زبان‌شناسی ساخت‌گرا و نیز پدر زبان‌شناسی نوین است. وی از نخستین زبان‌شناسانی است که بر اهمیت دانش نشانه‌شناسی تأکید کرد. نشانه‌شناسی او پیوند میان الگوی آوایی و معنا در اندیشه آدمی است و از فرآیند فرهنگ تأثیر می‌پذیرد. افزون‌بر این، پدیده زبان از نظر او نمودی از فرهنگ است، زیرا در همه زبان‌ها، وحدت دال و مدلول قراردادی فرهنگی است (Howarth, 2000). مفاهیم اصلی که در نشانه‌شناسی سوسور مطرح می‌شوند، نشانه‌شناسی^۱، دال^۲، مدلول^۳، دلال^۱ و نشانه زبانی^۲ هستند.

1. Semiology

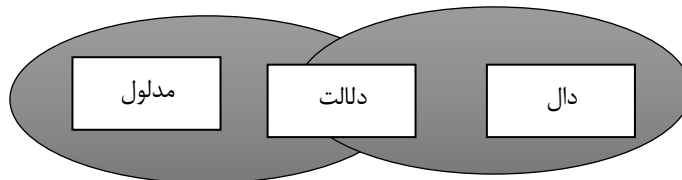
2. Signifier

3. Signified

نشانه‌شناسی در انگلیسی از واژه‌هایی چون *Semiotics* و *Semeiotics* و *Semiology*

و در فارسی نوین از ریشهٔ سیمیا یا سیما گرفته شده و در یونانی *σημείον* (سمئیون) به معنی نشانه است. اگرچه ریشه‌های نشانه‌شناسی در تاریخ به افلاطون برمی‌گردد، اما نشانه‌شناسی به عنوان یک تئوری مستقل در آغاز سدهٔ بیستم در نوشته‌های چارلز ساندرز پیرس و فردینان دوسوسور مطرح شد و توسط ژاک لاکان ظهور یافت. نشانه‌شناسی با مطالعه و تئوریزه کردن نشانه‌ها (صوتی، تصویری، حرکتی، زبان‌شناختی و...) و روند شکل‌گیری آن‌ها در پی معنی است و معنی را نمی‌توان جدا از موضوع یعنی جدا از انسان و زندگی روزمره و همچنین سیستم فرهنگی که پدیدآورندهٔ آن است مطالعه کرد. نشانه‌شناسی به دنبال رمزگشایی مفاهیم شناختی و سازمان نشانه‌هاست و تنها شامل نشانه‌های زبانی نیست و نشانه‌های شنیداری و دیداری را هم در برمی‌گیرد. از دید سوسور این علم به مطالعه نشانه‌ها از زبان‌شناسی پرداخته و در بررسی زبان نقش مهمی دارد. افزون‌بر این، زبان دستگاهی از نشانه‌هاست که بیانگر افکارند. بنابراین با الفبای کرولال‌ها، خط، نشانه‌های نظامی، شیوه‌های ادب و احترام و... قابل مقایسه است و به نقش نشانه‌ها در زندگی اجتماعی می‌پردازد. در نتیجه بخشی از روانشناسی اجتماعی و عمومی است که بعدها به بزرگترین مکتب زبان‌شناختی تبدیل شد (Suassure, 1979: 90).

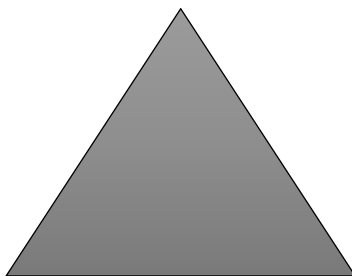
دال، دلالت‌کننده و نشانگر است. با توجه به نمودار دال همان تصور صوتی است و یک امر مربوط به امور دیگر است که تعریف آن را نمی‌توان از تعریف مدلول جدا کرد. دال می‌تواند به یک ماده و موضوع مشخص و معین ارتباط یابد و این ماده و موضوع متعلق به قلمرو واژه‌هاست. مدلول، دلالت شونده و نشانده است. سوسور ماهیت ذهنی مدلول را با مفهوم خواندن آن مشخص می‌کند. مدلول کلمه بلبل پرنده‌ای به نام بلبل نیست بلکه تصویر ذهنی آن است. پس نشانده یک شی و یک امر واقعی بیرونی نیست بلکه بیان ذهنی از یک شی است (Saussure, 1974: 22).



1. signification
2. linguistic sign

از دید سوسور نشانه کلیتی ناشی از پیوند میان دال و مدلول است. نشانه حاصل انطباق این دو عنصر یعنی دال و مدلول است و همیشه دو وجه دارد: دال بدون مدلول یا به عبارتی دالی که به هیچ مفهومی دلالت نکند در نظر سوسور صدایی گنگ بیش نیست و مدلولی که هیچ صورتی برای دلالت بر آن نباشد، امکان ندارد و قابل دریافت و شناخت نیست. سوسور تأکید می‌کند که صدا و اندیشه (یا دال و مدلول) درست مانند دو روی یک برگه کاغذ از هم جدایی ناپذیرند. از دید او، این دو وجه، نشانه وابستگی به یکدیگرند و هیچ یک مقدم بر دیگری نیست. نشانه محال است که از لفظ بدون معنی و یا معنی بدون لفظ تشکیل شده باشد. پیکانی که سوسور در نمودار به کار گرفته، نشان‌دهنده تعامل دوسویه بین این دو وجه نشانه است. وجود خط افقی و تقابلی در نمودار نشانگر این است که دال و مدلول را می‌توان برای مقاصد تحلیلی از هم متمایز کرد و از طرفی این خط دو عنصر درونی نشانه را از هم جدا می‌کند. به طور کلی سوسور توجه خودش را بیش‌تر به خود نشانه معطوف کرده است و توجه چندانی به دلالت آن به واقعیت‌های بیرونی نشان نمی‌دهد (تاجیک، ۱۳۸۹: ۳۵).

نشانه



الگوی مفهومی

الگوی صوتی

سوسور نشانه‌ها را براساس نوعی ماهیت جوهری یا ذاتی تعریف نمی‌کند. از دید سوسور نشانه‌ها در اصل به یکدیگر ارجاع می‌دهند. در نظام زبان همه چیز وابسته به روابط است و هیچ نشانه‌ای قائم بر خود معنی نمی‌یابد بلکه ارزش آن ناشی از رابطه آن با نشانه‌های دیگر است. هم دال و هم مدلول مفاهیمی تقابلی و جایگاه‌شان در ارتباط با اجزای دیگر نظام تعیین می‌شود. او به مفهومی تحت عنوان ارزش نشانه اشاره می‌کند. ارزش هر نشانه به روابط آن نشانه با نشانه‌های دیگر درون نظام وابسته است. سوسور از قیاس با بازی شطرنج استفاده می‌کند. ارزش هر مهره در شطرنج وابسته به جایگاهی است که آن مهره در تقابل با مهره‌های دیگر اشغال می‌کند و جنس و

شکل مهره‌ها تأثیری بر ارزشی که هر مهره در نظام انتزاعی بازی شطرنج دارد، نمی‌گذارد. نشانه چیزی بیش از مجموع اجزای آن است. بنابراین ما شاهد رابطه‌ای درونی نشانه و روابط بیرونی نشانه با دیگر نشانه‌های نظام زبان هستیم. رابطه درونی نشانه همان دلالت است و رابطه بیرونی، همان رابطه بین نشانه با نشانه دیگر است. برای درک معنی کلمه‌ای مانند مادر، ما باید سیستم اطلاعات مربوط به خانواده مانند پدر، مادر بزرگ، دختر و پسر و... را بفهمیم، زیرا در تقابل با آن‌ها نشانه مادر قابل تشخیص است. پس نشانه زبانی رابطه بین یک چیز و یک نام نیست بلکه رابطه‌ای است بین مفهوم و یک الگوی صوتی. بنابراین زبان شامل تفاوت‌ها و روابط است. تفاوت بین دال-ها و مدلول‌ها هویت‌های زبانی را خلق می‌کنند و رابطه بین نشانه‌ها به شکل‌گیری رشته‌ای از کلمات مانند عبارات و جملات می‌انجامد (همان: ۵۱).



رابطه میان دال و مدلول قراردادی است. منظور از قراردادی بودن این است که وجود نشانه زبانی بی‌دلیل است، یعنی هیچ‌گونه پیوند طبیعی بین دال و مدلول نیست. برای نمونه هیچ رابطه درونی خاصی مفهوم خواهر را با رشته آوایی (Sor) که صورت فرانسوی آن را می‌سازد پیوند نمی‌دهد. هر زبانی نه تنها دال، یعنی برش آوایی را به صورت قراردادی انتخاب می‌کند، بلکه مدلول را نیز به روش خاص خود برمی‌گزیند و از روشی قراردادی برای سازمان‌بندی جهان به مفاهیم و مقولات بهره می‌برد. دال و مدلول، هر دو تقطیع یا تقسیم‌بندی یک پیوستارند. دال، طیفی آوایی را تقسیم‌بندی می‌کند و مدلول طیفی مفهومی را. پس دال و مدلول باید در رابطه با سایر دال‌ها و مدلول‌ها تعریف شوند (امامی‌فر، ۱۳۸۸: ۵۷).

سوسور زبان را به عنوان یکی از نظام‌های نشانه‌ای و زبان‌شناسی را الگوی نشانه‌شناسی می‌داند. به دلیل این‌که نشانه‌های زبان دارای ماهیتی اختیاری و قراردادی‌اند. در علم نشانه‌شناسی همه نشانه‌ها بیش از یک مفهوم دارند که این مفاهیم آشکارا دیده نمی‌شوند. برای نمونه واژه قصر تنها به مفهوم محل زندگی نیست بلکه مفاهیم دیگری چون ثروت، دارایی، گذشته و اشرافی‌گری را نیز به همراه دارد. گاهی اوقات زبان فراتر از نشانه است؛ آن‌جا که کارکرد اسطوره‌ای، تاریخی و... می‌یابد. سوسور ادعان می‌کند در زبان‌شناسی حتی یک اصطلاح نیست که برایم مفهومی داشته باشد.

وی باور داشت که زبان‌شناسی باید به تبیین موضوع مورد بررسی خود بپردازد تا بتواند روشی برای خود برگزیند. او وظیفه زبان‌شناسی و به پیروی از آن نشانه‌شناسی را مطالعه نظام زبان به مثابه نظامی اجتماعی، اصلی و ساخت‌مند می‌داند. درباره جایگاه علمی دانش زبان‌شناسی، سوسور بر این باور بود که زبان‌شناسی باید جزء علوم انسانی و به عنوان شاخه‌ای از علم نشانه‌شناسی طبقه‌بندی شود. این علم به بررسی چگونگی تولید معنا در هر فرهنگ و جامعه خواهد پرداخت (همان: ۶۴). نکته‌های برداشتی از نشانه زبانی سوسور عبارتند از:

- نشانه حاصل انطباق دو عنصر دال و مدلول است؛
- هویت نسبی نشانه‌ها در ارتباط با یکدیگر در درون یک نظام، اصل اساسی نظریه ساخت-گرایی است؛
- تکیه سوسور به‌ویژه بر تمایزهای تقابلی و سلبی بین نشانه‌هاست و در تحلیل ساخت‌گرایانه اصل را بر تقابل‌های دو تایی گذاشته است (طبیعت و فرهنگ، مرگ و زندگی، روینا و زیرینا و...)
- مفاهیم به گونه‌ای اثباتی، ایجابی و به موجب محتوایشان تعریف نمی‌شوند بلکه به گونه‌ای سلبی و در تقابل با دیگر اجزای همان نظام ارزش می‌یابند و آنچه نمایانگر هر نشانه است، به بیان دقیق بودن، آن چیزی است که نشانه‌های دیگر نیستند.

در نشانه‌شناسی سوسور، دال و مدلول در زبان پیوند ذاتی ندارند. به نظر او کد، شی قراردادی است، قراردادی بودن در دال و مدلول هست. نشانه‌ها هستند که ایده و اندیشه‌های انسان‌ها را بیان می‌کنند و به صورت قرارداد رکن مهمی در زمینه اجتماع جوامع انسانی دارند. اعضای جامعه با این نشانه‌ها آشنا و حامل پیام‌هایی هستند که در هر جامعه، متفاوت بیان می‌شوند. زبان در سطح مدلول هم قراردادی است، زیرا هر زبانی به شیوه‌های متفاوت از امور تعبیر می‌آورد. از آنجایی که نظام زبان به عنوان یک کل همگن و واحد، نقطه آغاز است، می‌توان با روندی تحلیلی اجزا و عناصر سازنده‌اش را شناخت. تأکید سوسور بر کارکرد اجتماعی نشانه است و نشانه را مقوله‌ای انسانی و از آن قراردادهای از پیش نهاده انسان می‌داند؛ به طوری که جامعه و عرف آن را پذیرفته است. قوانینی که توسط نشانه‌شناسی کشف شدند، برای زبان‌شناسی قابل استفاده است و زبان‌شناسی قلمرو خاصی را در درون مجموعه حقایق انسان‌شناختی، توصیف و تشریح می‌کند (تاجیک، ۱۳۸۹: ۴۳).

جنگ تحمیلی

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، هر یک از تشکل‌های سیاسی و احزاب برآمده از آن‌ها برای رسیدن به آرمان‌های خود تلاش می‌کردند. این وضعیت باعث شد تا همسایه غربی ایران، یعنی کشور عراق برای دستیابی به اهداف خود به جای گفت‌وگو از نیروی نظامی استفاده کند و جنگی هشت ساله را بر ایران تحمیل نماید. با توجه به وضعیت داخلی ایران، بحران گروگان‌گیری سفارت آمریکا و کارشکنی‌های ضدانقلاب، عراق در تابستان سال ۱۳۵۹، زمینه‌ها را برای حمله به ایران آماده دید و با احضار کاردار ایران در ۱۳۵۹/۶/۲۶، پنج روز بعد در ساعت ۱۴ روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۷ به ایران حمله کرد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۳). تحرکات بنی‌صدر در قبال انقلاب و تأکید او بر گفت‌وگو با صدام باعث شد تا در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، توسط امام^(ره) از سمت فرمانده کل قوا برکنار و پس از آن امام^(ره) خود فرماندهی کل قوا را بر عهده بگیرند. در ۳ خرداد ۱۳۶۱، با عملیات بیت‌المقدس خرمشهر آزاد شد. پس از آزادسازی خرمشهر نیروهای ایران جنگ را به داخل عراق کشاندند. ادامه جنگ تا اواخر سال ۱۳۶۴ توازن نیروهای دو طرف را نشان می‌داد؛ اما در اواخر سال ۱۳۶۴، ایران با شروع عملیات والفجر ۸ منطقه عمومی فاو را تصرف کرد (ولایتی، ۱۳۷۶: ۴۴).

صدام با حملات شیمیایی و کمک قدرت‌های بزرگ توانست فاو را تصرف کند. مسئله نفت و طولانی شدن جنگ، شورای امنیت را بر آن داشت تا با پیشنهاد قطعنامه ۵۹۸، با فشار بر ایران، بر پایان جنگ تأکید ورزد. ایران قطعنامه را پذیرفت و در تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۸۷ میلادی (۲۹ مرداد ۱۳۶۷)، آتش‌بس بر مرزهای ایران و عراق حاکم شد (درودیان ج، ۱۳۷۸: ۲۱۱). دو سال بعد، در سال ۱۹۸۹، صدام دوباره پذیرش قرارداد الجزایر را اعلام کرد و سازمان ملل، عراق را به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ شناخته و آن را ملزم به پرداخت غرامت به ایران نمود.

یافته‌های پژوهش

۱) مفهوم جنگ در زبان‌شناسی گفتمان انقلاب اسلامی

غرب آسیا و شمال آفریقا، طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، شاهد ظهور، گسترش و گاه افول جریان‌های گوناگونی بوده است که خود را ذیل عنوان «اسلام‌گرا» تعریف می‌کردند. فعالیت این جریان‌ها، فارغ از نتایج آن، توجه سیاست‌مداران و تحلیل‌گران را بیش از گذشته به اسلام سیاسی

جلب کرد. در این میان، تشدید فعالیت «جنبش‌های اسلام‌گرا» تنها پدیده‌ای نبود که جلب توجه می‌کرد، بلکه ظهور یک «دولت اسلام‌گرا» در ایران بسیار جذاب‌تر می‌نمود. ایران اینک به آزمایشگاه زنده‌ای برای آزمون توانایی و ظرفیت ایدئولوژی جدید، دست‌کم قرائت شیعی آن، درآمده بود (نبوی، ۱۳۸۹: ۹-۸). از نظر فیشر با انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، مؤمنان می‌توانستند معنویت و دینداری خویش را در قالب یک انقلاب در این جهان مادی فریاد بزنند. انقلابی که بر همه فریبکاری‌های تباه‌کننده و فساد گذشته فائق خواهد آمد و تحت رهبری امام خمینی^(ره) جامعه دینی را بر خواهد انگیخت (Fischer, 1980: 129).

انقلاب اسلامی ایران همواره به دنبال صدور انقلاب به همه کشورهای جهان اسلام و بیداری مسلمانان بوده و هست. در این راستا امام خمینی^(ره) در یکی از سخنرانی‌هایش کشورهایی مانند ترکیه را ایادی نظم جاهلی و استکبار جهانی شمرده و وظیفه حکومت اسلامی می‌داند که مردم مسلمان را از اسارت این حکومت‌ها نجات دهند (امام خمینی^(ره)، ۱۳۶۲: ۲۸-۲۷). انقلاب اسلامی ایران منتهی به حکومتی اسلامی شد که برپایه مفاهیم اسلامی است. مفاهیم شهادت، ایثار، دفاع از مظلوم، کفر و نفی سبیل و اولویت دادن به امت اسلامی، در متن سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود. با این مفاهیم جدید، گفتمان و هویت معنایی جدیدی در ایران شکل گرفت. مفاهیمی مانند شهادت، ایثار، مبارزه با استکبار، نفی سبیل و پیوند دین و سیاست، در مقابل مفاهیمی مانند آزادی غربی، فردگرایی و... که استخوان‌بندی گفتمان غربی را تشکیل می‌داد، قرار گرفتند. در هنگامی که رزمندگان ایرانی بر جبهه‌های جنگ تحمیلی مسلط شدند، هاشمی‌رفسنجانی می‌گوید: «به نظر می‌رسد که نیروهای ما بر جبهه‌ها مسلط هستند و صدام در این جنگ به بن‌بست رسیده است. آن‌ها بیشتر به ابزار متکی هستند و بدون ایمان از ابزار کاری ساخته نیست» (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۶۱: ۲۴).

در جریان جنگ هشت ساله تحمیلی، رژیم بعثی نوعی از ناسیونالیسم شبه مدرن عربی را دنبال می‌کرد. ایرانیان براساس گفتمان انقلاب اسلامی جنگ را به مفهومی فراتر از تعریف عادی آن در نزد غربی‌ها و عرب‌ها مبدل کردند. در جریان جنگ هشت ساله تحمیلی، «دفاع از میهن و امت اسلامی - نه فقط خاک و ملت - جهاد و شهادت در راه خدا و ایثارگری برای امت اسلامی و برادران و خواهران مسلمان، دفاع از انقلاب اسلامی که مفهومی فراتر از دولت - ملت ایران داشت»، همگی مفاهیمی بودند که به عنوان نشانه‌هایی فرهنگی از گفتمان انقلاب اسلامی بروز کردند. در

مدت کوتاهی در سراسر ایران این مفاهیم و واژه‌ها انتشار یافت و ادبیات عمومی مردم را متأثر ساخت. جنگ جای خود را به دفاع مقدس داد. ارتشیان و دیگر نظامیان با عنوان رزمندگان اسلامی و نه تنها سربازان ایرانی شناخته شدند. در مدت زمانی کوتاه غرب کشور و به‌ویژه خوزستان به سرزمین نور مبدل شد. خوزستان، کربلای قرن ۲۰ بود و مسلمانان ایران در آرزوی عاشورا به سوی این سرزمین سرازیر شدند. در این دوره و به‌ویژه در مناطق جنگی، ادبیات حاکم ادبیاتی بسیار متفاوت با جهان آن زمان بود. مفهوم برادر و خواهر، جای آقا، خانم، رفیق و... را گرفت. در صدها کیلومتر دورتر و در پایتخت ایران، فضای حاکم بر شهر، فضای اسلامی و جهادی بود. بنابراین می‌توان گفت، جنگ هشت ساله در کنار مسایل نظامی و سیاسی، پیامدهای فرهنگی، زبانی و گفتمانی زیادی داشت. می‌توان به سلسله ادبیات و تصورات و سبک زندگی خاصی اشاره کرد که با عنوان گفتمان دفاع مقدس مشهور است (فلاح، ۱۳۸۵: ۴۵).

۲) جنگ تحمیلی یا دفاع مقدس؛ مفهومی فراتر از جنگ

با نگاهی به محدوده‌های اشغال شده از سرزمین ایران، توسط رژیم بعثی، می‌توان به مفهوم تجاوز جنگی عراق و دفاع ایران پی برد. رژیم بعث عراق در سال ۱۹۸۰، به صورت غافلگیرانه به ایران حمله کرد. در این شرایط اولین مفهومی که در ذهن مردم شکل گرفت، تحمیل یک جنگ گسترده از سمت عراق بر علیه ایران -جنگ تحمیلی- و لزوم دفاع مردم انقلابی ایران در برابر تجاوز دشمن عراقی براساس عقل و شرع اسلامی -دفاع مقدس- بود. کشتار گسترده مردم توسط حکومت بعثی سبب ظهور فراگیر مفهوم شهادت و مقایسه آن با شهادت امام حسین^(ع) و یارانش در کربلا شد. ایرانیان انقلابی با اعتقاد به حکومت اسلامی و با برساخته شدن مفاهیم جنگ تحمیلی، دفاع مقدس و شهادت، اقدام به جهاد کردند و کم‌کم همه مفاهیم جهادی صدر اسلام دوباره زنده شد. از شهادت و شهادت‌طلبی در عمل گرفته تا نام‌گذاری عملیات‌ها، لشکرها و گردان‌ها براساس مکان‌ها و رخدادهای مقدس مانند کربلای ۱ و ۲ و...، رمضان، فتح‌المبین، گردان حمزه، کمیل، عمار، ابوالفضل^(ع)، امام‌حسن^(ع)، امام‌حسین^(ع) و... می‌توان نام برد (درودیان ب، ۱۳۸۷: ۵۹).

مفهوم جنگ که با حمله عراقی‌ها به ایران بر سر زبان‌ها افتاد، با دفاع اسلامی ایرانیان و براساس گفتمان انقلاب اسلامی تبدیل به تفسیری جهادگونه و معنوی از جنگ هشت ساله شد و آن را فراتر از جنگ نظامی و سیاسی به تصور نبرد اسلام و کفر، نبرد خیر و شر و لشکریان خدا و شیطان، حزب‌الله، یزیدیان و... تبدیل نمود. این تصور از جنگ به حدی عمیق بود که در لایه‌های هویتی

ایرانیان رسوخ کرد و تصور ایرانیان درباره دفاع از کشورشان را تحت شعاع قرار داد و ادبیات سیاسی و روزمره ایرانیان درباره جنگ و دفاع را تغییر داد. بنابراین جنگ هشت ساله تحمیلی سبب تکمیل و بروز کامل گفتمان انقلاب اسلامی شد که نشانه‌های گسترده زبانی را با خود به همراه داشت و در همه حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روزمره ما نشانه‌های زبانی جنگ را می‌بینیم. همانطور که سوسور می‌گوید، رابطه بین دال و مدلول در زبان‌شناسی تابعی از فرهنگ است، باید گفت فرهنگ و گفتمان جنگ و انقلاب اسلامی سبب آفرینش نشانه‌های زبانی شد که رابطه بین دال‌ها و مدلول‌ها جز با درک گفتمان و فرهنگ دفاع مقدس قابل درک نیست (بیات و میرعباسی، ۱۳۹۰: ۳۹).

۳) دفاع مقدس و حس مکان^۱

حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است. این حس عاملی برای تبدیل یک فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص است. حس مکان افزون‌بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست‌یابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۷). از نگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد پدید آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد (Relph, 1976). ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد (Canter, 1971). حس مکان نه فقط باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای (جغرافیایی) و انسان، بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد است. حس مکان به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آن‌ها به مکان کمک می‌کند.

واژه‌های مکان دوستی^۲، تجربه مکان، شخصیت مکان و حس مکان، به معنای ویژگی‌های غیرمادی یا شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان^۳ دارد. از لحاظ تاریخی، روح مکان برای برپایی جشن و مراسم مذهبی به کار برده می‌شد که در آن بازدیدکنندگان می‌بایست به

1. Sense of Place

2. Topophilia

3. Genius Loci (Soul or Spirit of Place)

حرکات عبادات در مراسم توجه زیادی می‌کردند. از این رو جایی که این اعمال و مراسم در آن اتفاق می‌افتاد، خود تبدیل به مکان ویژه‌ای می‌شد. این احساس احترام یکی از مشخصه‌های مکان بود که آن را از دیگر مکان‌ها متمایز و روح مکان نامیده می‌شد (Brinckerhoff, 1994). بخشی از حس مکان ریشه در ارتباط عمیق جنگ و منظر در مکان جغرافیایی دارد که نوعی از جغرافیای فرهنگی و معنایی را قوام می‌بخشد. مناظر، اهمیت اساسی در هویت جوامع، فرهنگ‌ها و ملت‌ها دارند. واژه منظر معانی مختلفی دارد که به شیوه‌های متفاوت در رشته‌های مختلف ارائه شده است. معنی آن با ایده‌های انتزاعی، سنت‌های فرهنگی، تصاویر واسط و واقعیت‌های فیزیکی مرتبط می‌شود (Bucher, 2015). این مسئله باب‌های گوناگونی را برای مطالعه ارتباط منظر و جنگ - به عنوان درگیری نظامی همراه با تجاوز، تخریب، مرگ و شرایط زندگی بی‌ثبات - باز می‌کند. نکات محوری در این میان، زمین (مکان) و ادراک است (بیات و میرعباسی، ۱۳۹۰: ۴۳).

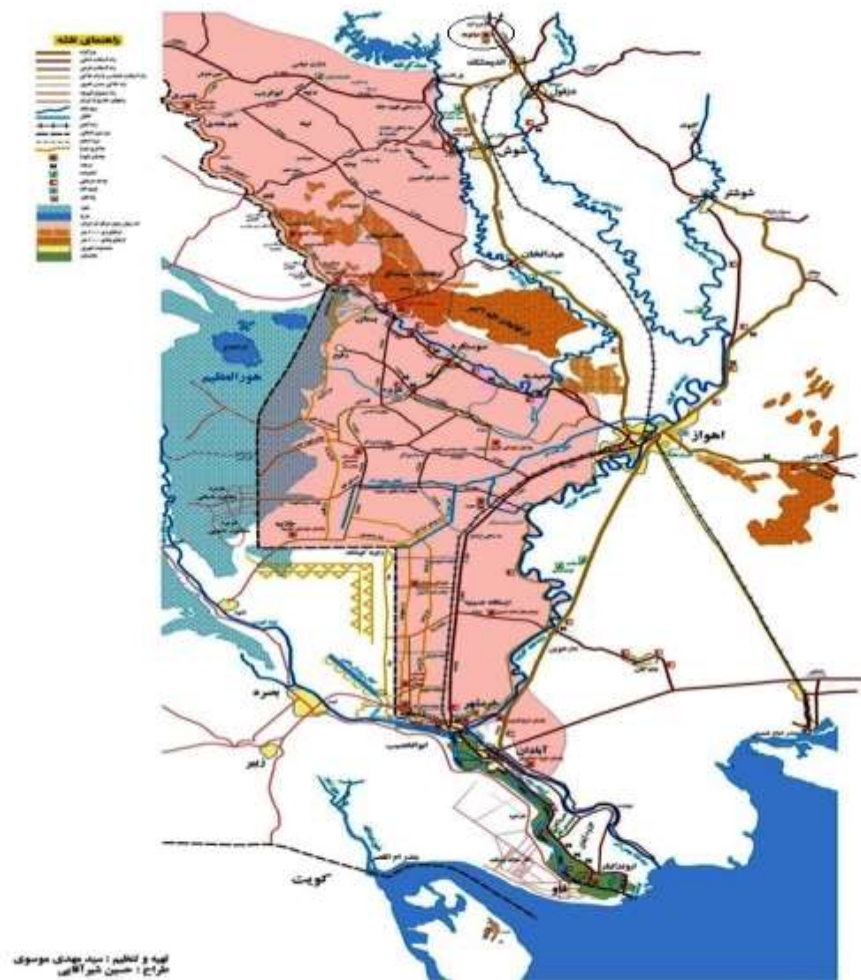
منظر ممکن است از مؤلفه‌های فیزیکی و جغرافیایی تشکیل شود، اما همین مؤلفه‌ها نیز در اثر تجارب ادراک شده پدید می‌آیند. ما منظر را با تخیل شکل می‌دهیم؛ به همان اندازه آن را با دیدن می‌سازیم. ما همچنین در محیط سکونت گزیده و با برداشت و تغییر شکل آن، محیط خود را به منظرهای چندوجهی فرهنگی تبدیل می‌کنیم. جنگ‌ها این منظرهای فرهنگی را به صورت مادی و ذهنی و با پیامدهای قابل توجهی تغییر می‌دهند. شواهد آن نه تنها در ساختارهای ذهنی منظر (در ایده‌ها، مفاهیم، متون، تصاویر و نقشه‌ها)، بلکه در بُعد فیزیکی منظر نیز قابل مشاهده است. آثار و شواهد مادی متعددی از جنگ هست. ساختارها و اشیای به جا مانده، مانند میدان‌های جنگ، خطوط مقدم، دیوارها، یا سازه‌های مقاوم به سایت‌های فرهنگی تبدیل شده و یا به عنوان مناطق ممنوعه حفاظت شده‌اند. گورستان‌های جنگی و یادمان‌ها برای دفن کشته‌شدگان و بزرگداشت جان‌های بی‌شماری که از دست رفته‌اند، ساخته شده است. این شواهد همچنین در رویکردهای نظری به منظر دیده می‌شود. واژه حس مکان یک مفهوم کلیدی است که بر رویکردهای رفتاری و احساسی و گرایش‌ها به سوی چیدمان فضایی و مناظر تمرکز دارد. این مفهوم، عشق به منظر را نشان می‌دهد.

گفتمان دفاع مقدس، جهاد در راه خدا و نگاه الهی به دفاع به جای تصور جنگ مدرن، سبب شد تا حتی محدوده عملیاتی جنگ نیز حالت مقدسی به خود گیرد. طبق نقشه شماره ۱، دوکوهه اولین پایگاه و منطقه جنگی ایران در شمال خوزستان و در ۱۰ کیلومتری شمال اندیمشک است.

دو کوهه امروزه به یک تصور آشنا برای ایرانیان شده است. گویی دوکوهه جزئی از هویت آن‌ها است. از همان ابتدای ورود خوزستان با دوکوهه مواجه می‌شویم و حس دیگر به مکان و فضای جغرافیایی این منطقه پیدا می‌کنیم. در ادامه دزفول، شوش، سوسنگرد، بستان، هویزه، آبادان و حس تقدس این مکان‌ها که خواه، ناخواه وجود هر انسانی را در برمی‌گیرد. حتی خارجی‌ها نیز با ورود به این منطقه دچار تغییرات روحی می‌شوند. ورود به خرمشهر شاید یکی از اوج‌های بلند توجه به حس مکان و مواجه شدن با روح مقدس مکان در این جغرافیای خاص است. اروندرود نماد شهادت و جهاد است. اروندرود یادواره کربلای ۵ است که به معنای واقعی زنده‌کننده احساس انسان مسلمان و شیعی نسبت به روز عاشورا و شهادت امام حسین^(ع) و یارانش است (ملایی، ۱۳۹۳: ۸۷).

جنگ سبب شد تا ایرانیان با تصور مقدسی که از دفاع داشتند، همه مکان‌هایی که محل شهادت رزمندگان بود را به مکان‌های یابود تبدیل کنند. این امر سبب شد تا نمادها و نشانه‌هایی در مناطق جنگی بر جای بماند که همواره احساس نزدیکی را بین انسان و این مکان‌ها ایجاد می‌کند که همان حس مکان است. برگزاری مراسم در این مناطق و راه‌اندازی کاروان‌های راهیان نور و بزرگداشت شهدا، این مکان‌ها را صاحب روحی کرده که فراتر از مکان‌های دیگر است و نشانه‌ها و نمادهای آن دارای هویت مشخص در تعامل و ارتباطی معنایی با انسان‌اند. این تصورات در قالب واژه‌ها و مفاهیم وارد زبان ایرانیان شده و امروزه هنگامی که می‌گوییم دوکوهه، هویزه، خرمشهر و...، فراتر از تصور شهر و مکان صرف، نوعی حس و روح معنوی را نیز از این مکان‌ها داریم و در پشت دال که نام و نوشتار این مکان‌ها است، سوای از مدلول عادی که همان تصور این مکان‌ها است، تصور تقدس و حس دوستی و یکی شدن با این مکان‌ها در انسان نیز متصور می‌شود (دوردیان الف، ۱۳۷۸: ۷۴).

نقشه شماره ۱: شهرها و مناطق عملیاتی جنوب در جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران



۴) مفهوم و انگاره راه قدس از کربلا می‌گذرد

در جریان جنگ هشت ساله تحمیلی و پس از شکل‌گیری گفتمان دفاع مقدس، ایرانیان با شبیه‌سازی نمادین مکان‌ها و رخداد‌های صدراسلام و نام‌گذاری‌های مکان‌ها و عملیات‌های خود با عناوین پیامبر(ص) و ائمه(ع)، مفهومی تحت عنوان نبرد اسلام و کفار را بازتولید کردند. با پیشروی-های نیروهای ایرانی (لشکریان اسلام) به داخل خاک عراق، عده‌ای شعار آزادی قدس را سر دادند. آن‌ها می‌گفتند که برای رسیدن به قدس باید از کربلا گذشت و این امر نیاز با آزادسازی کربلا دارد

(درودیان الف، ۱۳۷۸: ۸۸). تحت تأثیر گفتمان دفاع مقدس، این شعار به یک مفهوم سیاسی و مذهبی تبدیل شد و کم‌کم در بین دیگر مسلمانان نیز گسترش یافت. بخش اصلی این شعار و آرمان جهانی که امروزه منجر به خلق مفاهیمی در جهان شده، ناشی از گفتمان جنگ هشت ساله تحمیلی و انقلاب ایران است. جریان‌هایی مانند پیدایش حزب‌الله لبنان و سوریه، انصارالله یمن و حشدالشعبی در عراق که از بسیج و تشکیلات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی الگوبرداری نموده است (اکرم‌الکعبی، ۱۳۹۵).

۵) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ مفهومی فراتر از مرز جغرافیایی

امام‌خمينی^(ره) در دوم اریبھشت سال ۱۳۵۸، طی فرمانی به شورای انقلاب، تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را اعلام کردند (پارساپور، ۱۳۹۳: ۲۷). دفاع از منافع ملی، ارزش‌های انقلاب اسلامی و نیز پیشبرد آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی در داخل و خارج کشور به عنوان بخشی از مأموریت‌های سپاه تعریف شده است. مقام معظم رهبری دربارهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فرموده‌اند: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مولود مبارک انقلاب اسلامی است، در همهٔ جهان پس از صدر اسلام پدیده بی‌سابقه‌ای است» (حسینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۷). جغرافیای فرهنگی جهان اسلام، مفهوم امت و دولت اسلامی، هم در ظاهر و هم در محتوا است. تحت تأثیر استعمار و نفوذ حداکثری غرب در جهان اسلام، مفاهیم غربی جای مفاهیم سیاسی-اسلامی را گرفت. در دوران دفاع مقدس و به‌واسطهٔ بازآفرینی مفاهیم ایثار، شهادت، جهاد و... که مفاهیمی صدر اسلامی بودند، ایدهٔ تشکیل سپاه که مبتنی بر مفاهیم اسلامی بود پدید آمد تا در کنار ارتش منظم ایران که پدیده‌ای مدرن و غربی بود به وظایف اسلامی خود عمل کند. سپاه حاصل گفتمان انقلاب اسلامی بود و بدین سبب دارای ساختار و اهداف اسلامی بود. ویژگی مهم دیگر سپاه وظایف گسترده آن است. سپاه به پیروی از گفتمان امت محور انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، وظیفهٔ دفاع از ارزش‌های اسلامی در هر جای جهان را دارد. مهمترین مصداق آن در نیروی قدس است که تا حدود زیادی همان آرمان آزادی قدس را در کنار دفاع از انقلاب اسلامی پیگیری می‌کنند (ملایی، ۱۳۹۳: ۵۱).

۶) تولد مفهوم بسیجی

در منطق امام‌خمينی^(ره) و مقام معظم رهبری، بسیج محدود به قلمرو نیست و به یک قشر یا منطقه منحصر نمی‌شود و همهٔ عرصه‌های زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد (رمضانیان، ۱۳۹۱:

۱۱۷). نهاد بسیج در فرآیند اجتماعی، نهادی است که پس از پیروزی انقلاب، به‌ویژه طی جنگ تحمیلی، در جهت حمایت از نظام وارد روند سیاسی- اجتماعی جامعه شده و متعاقب خاتمه جنگ تحمیلی به سان نیروی مؤثر در راستای اعتلای ارزش‌های نظام و در نتیجه استقرار امنیت از رهگذر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، خود را به عنوان نهادی ضروری در بطن انقلاب اسلامی جای داد. این نهاد ابعاد فرهنگ و اجتماع را سر لوحه عملکردهای خویش برگزیده است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲).

پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران توسط دانشجویان پیرو خط امام^(ه)، امام^(ه) طی یک سخنرانی خطاب به اعضای ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فرمودند که باید ارتش ۲۰ میلیونی تشکیل شود. به موازات پایان یافتن جنگ تحمیلی، بنا به تأکیدات مقام معظم رهبری، سازمان بسیج جهت پاسداری از اصول انقلاب اسلامی و پر کردن خلأهای موجود ادامه پیدا کرد (ذوالقدر و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۹). به دنبال فرمان امام^(ه)، در طی مدت کوتاهی حدود یک میلیون و دویست هزار نفر در کشور در واحدهای سپاه ثبت نام کردند که بعدها به چندین میلیون نفر رسید. پس از رهنمود امام^(ه)، ستاد ویژه‌ای تحت عنوان واحد بسیج مستضعفین در سپاه پدید آمد (نواختی‌مقدم و سرمدی، ۱۳۹۴: ۲۰۱). شکل‌گیری بسیج و مفهوم بسیجی در ادامه خلق مفاهیم و گفتمان انقلاب و جنگ تحمیلی بود. بسیج در قالبی اسلامی شکل گرفت. شهید سلیمانی با بیان اینکه جنگ در معرفت بخشی جامعه نقش اساسی داشت گفت: «آنچه باعث شده که ولی فقیه ما که عمامه رسول‌الله^(ص) را بر سر دارند، امروز چفیه بسیجی را از دور گردن خود بر نمی‌دارد، نشانه ارزش فرهنگ بسیجی است». وی افزود: «از رهبری پرسیدند که چرا این چفیه را کنار نمی‌گذارند و ایشان در پاسخ فرمودند به دلیل اینکه این چفیه متعلق به قشر ارزشمندی است» (سلیمانی، ۱۳۸۹). امام^(ه) برای بسیج توده‌ها در سطح جامعه از شبکه‌های ارتباطی قوی چون روحانیت و مساجد، بازار و دانشگاه‌ها و... بهره جستند و با توجه به ارتباط مردم با این شبکه و اعتماد بین آن‌ها، توانستند توده‌های مردم را در صحنه انقلاب بسیج نمایند (شاه‌علی، ۱۳۹۵: ۷۳).

نتیجه‌گیری

جنگ هشت ساله تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران که در ادامه انقلاب اسلامی ایران رخ داد، منجر به تقویت مفاهیم انقلاب اسلامی و زایش مفاهیم گسترده و تولد ادبیات و زبانی جدید در بین ایرانیان شد که شاید مهم‌ترین عامل بقای انقلاب اسلامی را نیز بتوان در گفتمان‌سازی دفاع مقدس

دید. دفاع مقدس گفتمانی را ایجاد کرد که در درون آن مفاهیم زیادی مانند تفسیر جهادی و دفاع مقدس از جنگ و جایگزینی آن با مفهوم جنگ مدرن؛ شکل‌گیری و بازتولید مفاهیم صدر اسلام مانند جهاد، شهادت و شهادت‌طلبی، ایثار و... که جای جنگ و دفاع مبتنی بر وظایف و ناسیونالیسم غربی را گرفت؛ شکل‌گیری حس مکان و روح مکان در مناطق جنگی و تبدیل شدن این اماکن به یادواره دفاع مقدس برای حفظ و یادآوری ارزش‌های انقلاب اسلامی و... ایجاد شد. شکل‌گیری مفهوم سپاه و بسیج و جایگزینی با مفهوم ارتش مدرن نیز از مفاهیم مرتبط با این تحول معنایی و نشانه‌ای بود. دفاع مقدس با آفرینش و بازتولید این مفاهیم از صدر اسلام، گفتمانی را شکل داد که امروزه دارای نمادها و نشانه‌های زبانی گسترده‌ای در سطح ملی، منطقه‌ای و در برخی موارد جهانی است. نمادها و نشانه‌های زبانی که بدون در نظر گرفتن گفتمان دفاع مقدس و انقلاب اسلامی برای انسان گنگ به نظر می‌رسند. این معناداری نشانه‌های زبانی که ناشی از گفتمان خاصی است، بیانگر نظر سوسور درباره این امر است که دال و مدلول و روابط بین آن‌ها از نوع فرهنگی و گفتمانی است و خارج از فرهنگ رابطه بین دال و مدلول متصور نیست. بنابراین نشانه‌ها و نمادهای زبانی گفتمان دفاع مقدس نیز به واسطه آگاهی مخاطب از این گفتمان و نیز بروز واقعی و بیرونی این گفتمان معنادار هستند و با فرض فراموشی این گفتمان و فرهنگ خاص، نشانه‌های آن نیز نامفهوم می‌گردند.

کتابنامه

- اکرم‌الکعبی (۱۳۹۵). «الگو برداری از بسیج ایران راز موفقیت حشدالشعبی عراق است»، بسیج‌پرس، دسترسی: <http://basijpress.ir/fa/news-details/82320>
- امام‌خمینی (ع)^(۶) (۱۳۶۲). در جست‌وجوی راه از کلام امام (ع)^(۶): از بیانات و اعلامیه‌های امام (ع)^(۶) از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۶۱، تهران: امیرکبیر.
- امامی فر، سیدنظام‌الدین (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی کاربردی، معرفی کتاب نشانه‌شناسی کاربردی دکتر فرزانه سجودی، کتاب ماه هنر، آذرماه.
- بوریمرگبینز، جان. آر (۱۳۸۱). سیاست پست مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، تهران: گام‌نو.
- بیات، بهرام و حمید میرعباسی (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی بسیج»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۴، شماره ۵۱، صص ۹۷-۱۱۲.
- پارساپور، روزبه (۱۳۹۳). «دیپلماسی سپاه پاسداران و امنیت خاورمیانه»، پیام انقلاب، شماره ۸۳.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی؛ نظریه و روش»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۴، صص ۷-۳۹.
- چهرآزاد، سعید؛ ابوالقاسم طاهری و عقیل صابورگ (۱۳۹۶). «بحران سوریه، غرب و استراتژی موازنه ضعف»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ۱، شماره ۲، پاییز، صص ۵۹-۸۱.
- حسینی، حمید (۱۳۸۲). گروگانگیری و آغاز جنگ ایران و عراق، قم: معارف.
- حسینی، علی و محمدولی جعفر یوسفی (۱۳۹۵). «عملیات روانی دشمن علیه مأموریت‌های فرهنگی اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۵۱-۴۱.
- درویدیان، محمد (الف ۱۳۷۸). خرمشهر تا فاو، تهران: بسیج.
- درویدیان، محمد (ب ۱۳۷۸). جنگ بازیابی ثبات، تهران، مرکز مطالعات جنگ.
- درویدیان، محمد (ج ۱۳۷۸). پایان جنگ، تهران: مرکز.
- ذوالقدر، محمدباقر، علی محمد احمدوند و شعبانعلی رمضانیان (۱۳۹۰). «نقش بسیج دانشجویی و طلبه در مقابله با تهدیدهای نرم علیه انقلاب اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره یازدهم، تابستان.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰). پدیده جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: آگه.

- رضانیان، شعبانعلی (۱۳۹۱). «نقش بسیج در حفظ و تقویت ماهیت نهادهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۵، شماره ۵۵، صص ۱۳۴-۱۱۱.
- سلیمانی، قاسم (۱۳۸۹). «دلیل به گردن انداختن چفیه توسط رهبر انقلاب»، یادواره شهیدان باکری، تالار وزارت کشور، دسترسی: <http://www.tabnak.ir/fa/news/151716>.
- شاه‌علی، احمدرضا (۱۳۹۵). «راهبرد مبارزاتی امام‌خمينی^(ره): بسیج سیاسی مردم»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۸، صص ۷۵-۵۷.
- فلاح، محمداصداق (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷.
- ملایی، ناصر (۱۳۹۳). «مروری بر نقش سپاه پاسداران در برهه جنگ تحمیلی تبلور آرمان‌های انقلاب»، ماهنامه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، شماره ۸۶.
- موسوی، میرنجف، فاطمه‌سادات کهکی و محمد صفری (۱۳۹۵). «نقش بسیج در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی استان آذربایجان غربی»، فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال ۷، شماره ۳.
- نبوی، عبدالامیر (۱۳۸۹). «ظهور و دگرگونی جریان‌های اسلام‌گرا؛ مروری بر رویکردها و نظرات»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۱، شماره ۴۲.
- نواختی‌مقدم، امین و حمید سرمندی (۱۳۹۴). «بررسی نقش تطبیقی امام‌خمينی^(ره) و دکتر شریعتی در بسیج انقلاب سال ۱۳۵۷»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۲۰۸-۱۹۳.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۶). تاریخ سیاسی جنگ، تهران: فرهنگ اسلامی.
- هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۶۱). «وضع موجود جنگ»، مجله پاسدار اسلام، اردیبهشت‌ماه، شماره ۵.
- همتی، ایراج و ابوالفضل دلاوری (۱۳۹۴). «استراتژی جنگ و رفتار سیاست خارجی: درآمدي بر تبیین فرآیند و فرجام جنگ ایران و عراق»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۰، شماره ۳.
- Brinckerhoff, Jackson John (1994). A Sense of Place, a Sense of Time, New Haven and London: Yale University.
- Canter, D. (1971). The Psychology of Place, the Architectural Press, London.
- Fischer, Michael (1980). Iran from Religious Dispute to Revolution, Cambridge: Harvard University press.
- Howarth, David (2000). Discourse, Open University Press.
- Relph, E. (1976). Place and Place lessens, London: Pion.
- Saussure, F.de (1974). Course in General Linguistics, London: Duckworth.
- Stanford Encyclopedia of Philosophy: <http://plato.stanford.edu/entries/war>.